



«تقویم قمری» نشانگر اراده حکیمانه الهی در نظام تکوین و تشریع است

برخی از نواندیشان تقویم قمری را بازتاب فرهنگ سرزمین حجاز عصر رسالت در قرآن دانسته‌اند؛ حال آن‌که این موضوع از آغاز آفرینش مورد نظر خداوند بوده و چه به‌خاطر طبیعی بودن آن و چه به لحاظ معیار مناسک دینی، حاکی از اراده حکیمانه الهی در نظام تکوین و تشریع است.

گروه اندیشه: برخی از نواندیشان تقویم قمری را بازتاب فرهنگ سرزمین حجاز عصر رسالت در قرآن دانسته‌اند؛ حال آن‌که این موضوع از آغاز آفرینش مورد نظر خداوند بوده و چه به‌خاطر طبیعی بودن آن و چه به لحاظ معیار مناسک دینی، حاکی از اراده حکیمانه الهی در نظام تکوین و تشریع است.

حجت‌الاسلام علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) در بحث از موضوع قرآن و هرمنوتیک به نقد و بررسی شبهه تاریخ‌مندی قرآن پرداخت و اظهار کرد: برخی از نواندیشان دینی متأثر از اندیشه‌های هرمنوتیکی غرب به اشتباه مدعی شده‌اند که ما نمی‌توانیم معانی و مفاهیم متن را از یک دوره تاریخی خاص به دوره‌های دیگر تسری دهیم و همین امر منشأ طرح بحث تاریخ‌مندی قرآن شده است. بر مبنای این تفکر که از سوی برخی از نواندیشان دینی مطرح شده، پدیده‌های چون قصاص، دیات، حجاب، جهاد و... مربوط به عصر نزول قرآن است و در عصر حاضر به دلیل تغییر شرایط می‌توان این احکام را به عنوان احکام عرضی دین کنار نهاد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران با تأکید بر این‌که قرآن کلامی بشری نیست و نمی‌تواند بازیافت فرهنگ زمانه باشد، اظهار کرد: برخی از نواندیشان، شماری از آموزه‌های قرآن را بازتاب فرهنگ زمانه دانسته و مدعی شده‌اند که چون پیامبر(ص) مربوط به حجاز بوده، از همین رو برخی از افکار و اندیشه‌های جامعه عرب آن روزگار(از قبیل تقویم قمری، توصیف زنان بهشتی به سیه‌چشمان نشسته در خیام، نام بردن از حیوانی چون شتر، زنده به گور کردن دختران،...) در قرآن راه یافته و به اصطلاح قرآن رنگ و بوی عربی به خود گرفته است.

تقویم قمری؛ نمونه‌ای برای طرح شبهه تاریخ‌مندی قرآن

وی شبهه انعکاس باورهای اعراب جاهلی در قرآن و در پی آن شبهه ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن را کاملاً بی‌اساس دانست و با بیان این‌که آموزه‌های راستین قرآن، ربطی به عربی بودن پیامبر(ص) و سرزمین نزول وحی ندارد، به بررسی و توضیح مسئله «؛اعلام سال قمری به عنوان معیار محاسبات تقویمی«؛ پرداخت که در گفتار برخی از نواندیشان به عنوان بازتاب فرهنگ سرزمین حجاز در قرآن ادعا شده است.

مؤلف کتاب «؛رابطه قرآن و سنت«؛ عنوان کرد: یکی از نواندیشان مدعی شده است که قرآن تحت تأثیر فرهنگ عصر رسالت، ماه‌های قمری را به عنوان مبنای محاسبات تقویمی اعلام و بر اساس آن مناسک دینی را پیش‌بینی کرده است. وی در این باره تصریح کرده است: «؛دیگر شگفت‌زده نمی‌شویم، اگر ببینیم تقویم قرآن «؛تقویم قمری«؛ است و روزه را بر همه آدمیان در ماه رمضان واجب می‌کند(سوره بقره).

نصیری در نقد این مدعا گفت: در جوهر این کلام دو نکته اساسی وجود دارد: نخست آن‌که از منظر این نواندیش اگر پیامبر(ص) در حجاز مبعوث نمی‌شد و در این سرزمین با مردم حجاز نشست و برخاست نداشت، مبنای محاسبه سال قمری قرار نمی‌گرفت و برای مثال مبنا می‌توانست سال شمسی قرار گیرد. دیگر آن‌که از لابه‌لای این ادعا به دست می‌آید که وی برای ماه قمری امتیازی قائل نبوده و معتقد است که سال شمسی یا سایر مبانی محاسبات ملل برای محاسبه زمان و مناسک دینی از امتیاز بیشتری برخوردار است.

وی افزود: این در حالی است که بررسی آیات ناظر به محاسبات زمان، نشان می‌دهد که محاسبه سال قمری به عنوان معیار محاسبه زمان از آغاز آفرینش مورد نظر خداوند بوده و هیچ ربطی به حجاز و مردم این سرزمین ندارد؛ چنان‌که تأمل در فواید محاسبه سال قمری نشان می‌دهد که این معیار، چه در اصل محاسبات به‌خاطر طبیعی بودن آن و چه به لحاظ معیار مناسک دینی حکیمانه است.

خداوند محاسبه زمان را به گونه‌ای تنظیم کرد که برای مردم مشهود باشد؛ یعنی به جای آن‌که تمام تکیه آنان بر محاسبات ریاضی استوار باشد، آن را بر مبنای گردش طبیعی شب و روز و خورشید و به صورت خاص بر گردش ماه قرار داده است
آیات ناظر به محاسبه سال قمری در قرآن

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد برای روشن شدن این مدعا به بررسی آیاتی چند از قرآن کریم (ناظر به محاسبه سال قمری) پرداخت و گفت: قرآن در پنج آیه درباره محاسبه سال قمری به عنوان معیار محاسبه زمان اظهار نظر کرده است و 171#؛ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ؛ در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است؛ از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است؛ (توبه/36).

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران ادامه داد: آیه دیگر ناظر به محاسبه ماه‌های قمری، آیه 5 از سوره مبارکه یونس است: 171#؛ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُقَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید. خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند؛.

وی عنوان کرد: آیه دیگر ناظر به محاسبه ماه‌های قمری آیه 12 از سوره مبارکه اسراء است: 171#؛ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا؛ و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن]، فضلی از پروردگارتان بجوید، و تا شماره سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم؛.

نصیری در بیان دو آیه قرآنی دیگر ناظر به محاسبه ماه‌های قمری گفت: آیه 171#؛ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَاجِّ؛ درباره [حکمت] هلاله [ی ماه] از تو می‌پرسند، بگو: 171#؛ آنها [شاخص] گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند؛ (بقره/189) و 171#؛ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ؛ و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است، تقدیر آن عزیز دانا این است و برای ماه منزل‌هایی معین کرده‌ایم تا چون شاخ خشک خوشه خرما برگردد، نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند؛ (یس/38 - 40).

وی پس از ذکر آیات ناظر به محاسبه ماه قمری در قرآن اظهار کرد: از مجموع آیات پیش‌گفته در زمینه تنظیم زمان سه نکته قابل استفاده است: نخست آن‌که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته تا جهان را بر اساس نظام زمانی دقیق تنظیم کند تا کار محاسبه زمان بر مردم آسان شود. از این جهت در آیه نخست فرمود که خداوند نظام زمان را بر اساس سال و دوازده ماه که چهار ماه آن ماه حرام است، تنظیم کرده است، در آیه سوم فرمود که خداوند شب و روز را برای دانستن زمان سنوات و محاسبه قرار داده است و در آیه پنجم سوره یونس گردش ماه را وسیله‌ای برای محاسبه سال و حساب زندگی معرفی کرد.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: خداوند از آغاز آفرینش گردش ماه را مبنای محاسبه زمان قرار داده و از همین جهت در آیه 36 سوره توبه 171#؛ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ؛ فرموده است. محل شاهد در این آیه فقره 171#؛ فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛ است؛ یعنی خداوند در کتاب خلقت از آغازین روز آفرینش، چنین مقدر فرمود که هر سال دارای دوازده ماه و چهار ماه آن ماه حرام باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران ادامه داد: از سوی دیگر می‌دانیم که چهار ماه حرام عبارتند از: ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب که همگی آنان چه از جهت نام و چه از جهت گردش سالانه به طور قطع جزء ماه‌های قمری به شمار می‌روند. با این قید در این امر نمی‌توان تردید کرد که مقصود خداوند از تنظیم دوازده ماه در سال، دوازده ماه قمری است.

وی افزود: البته مراد ما آن نیست که مبنای محاسبه سال بر اساس سال شمسی ناصحیح و مردود بوده و نمی‌توان از آن محاسبه زمان را دریافت، بلکه مراد آن است که از لایلای این دست از آیات به طور تلویحی میتوان دریافت که خداوند نظرش بر آن بوده تا مردم ماههای قمری را مبنای محاسبات خود قرار دهند.

مؤلف کتاب 171#؛ قرآن گفتار الهی؛ خاطر نشان کرد: خداوند محاسبه زمان را به گونه‌ای تنظیم کرد که برای مردم مشهود باشد؛ یعنی به جای آن‌که تمام تکیه آنان بر محاسبات ریاضی استوار باشد، آن را بر مبنای گردش طبیعی شب و روز و خورشید و به صورت خاص بر گردش ماه قرار داده است. از این جهت در دو آیه از آیات پیش‌گفته که در سوره یونس و اسراء آمده، در توجیه علت در نظر گرفتن ماه به عنوان محاسبه زمان، بر قید 171#؛ لِتَعْلَمُوا؛ تأکید شده است. بر همین اساس در پاسخ پرسش مردم

حجاز درباره علت تفاوت هلال ماه‌ها، اعلام شد که خداوند تغییرات حالات ماه را وسیله‌ای برای تنظیم اوقات و نیز زمان شناخت ایام حج قرار داد(بقره/189).

چرا خداوند ماه را مبنای محاسبات زمان قرار داده است؟

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد اظهار کرد: اگر بپرسیم که چرا خداوند ماه را مبنای محاسبات زمان قرار داد، پاسخ آن را به صورت تلویحی می‌توان از درنگریستن در این آیات دریافت و آن این که ماه در طول سال هر شب به مثابه تابلویی آشکار در برابر چشم مردم می‌ماند که چند و چون گذار زمان را به آنان نشان می‌دهد. از سوی دیگر، می‌دانیم که در حال حاضر مبنای محاسبه ایام سال در میان ملل مختلف متفاوت است، برای مثال در آمریکا، اروپا، کانادا، استرالیا مبنای محاسبه سال میلادی و در میان ایرانیان و برخی دیگر از کشورهای فارسی‌زبان مبنای محاسبه سال شمسی است.

وی تصریح کرد: همچنین می‌دانیم که در سال میلادی یا شمسی هیچ نشانه‌ای در طبیعت اعم از آسمان و زمین برای تشخیص آنکه امروز چه روزی از فلان ماه میلادی یا شمسی است، وجود ندارد و مردم برای تشخیص این امر ناگزیرند به تقویم‌هایی که از آغاز سال برای آنان تنظیم شده و احیاناً در خانه و محل کار آویزان است یا به صورت کتابچه‌ای در جیب آنان نگاه‌داری می‌شود، مراجعه کنند.

ماه قمری بر منطق طبیعی استوار است

نصیری ادامه داد: بر مبنای سال قمری عملاً نیازی به چنین محاسبات و تنظیم تقویم‌ها و مراجعه به آنها نیست؛ زیرا خداوند به صورت کاملاً طبیعی هر شب بالای سر مردم چراغی روشن قرار داده که در کنار روشنائی‌دهی به حیات، به آنان اعلام می‌کند که فردایشان چه روزی از ماه است. کسانی که برای مدتی کوتاه این موضوع را در پی نگریستن به ماه تجربه کنند، به خوبی با دیدن حالات مختلف ماه از هلال تا بدر و تا محاق، درمی‌یابند که چند روز از ماه گذشته و امروز و فردا چندم ماه است و جالب آن‌که گاهی ماه در روز نیز قابل رؤیت است.

وی افزود: درست است که سال قمری در مقایسه با سایر سال‌ها در عدم امکان ارائه شمار ماه سال برابر است و برای نمونه با رؤیت ماه نمی‌توان تعیین کرد که اینک ماه شعبان است یا ماه رمضان، اما تجربه نشان داده که آن چه مردم در محاسبات خود بیش از هر چیز دیگر به آن نیاز دارند، روزشماری است، نه ماه‌شماری؛ زیرا محاسبه دوازده‌ماه در سال کار دشواری نیست.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت با بیان این‌که آن‌چه محاسبه آن برای مردم دشوار است، روزشماری است که سال قمری آن را از هر جهت تسهیل می‌کند، خاطرنشان کرد: بنابر این، چنان نیست که خداوند از دوره رسالت و به ملاحظه مردم حجاز، ماه قمری را مبنای محاسبه سال قرار داده باشد، بلکه از آیات پیش‌گفته بدست می‌آید که خداوند از آغاز خلقت و برای تمام ملل، سال قمری را مبنای محاسبه قرار داده است.

وی ادامه داد: از سوی دیگر، در آیات پیش‌گفته برای ماه دو ویژگی برشمرده شده است: نخست آن‌که ماه‌های قمری وسیله محاسبه زمان است و دوم آن‌که ماه‌های قمری وسیله محاسبه ایام حج است. این امر اشاره بدان دارد که نظام تکوین متناسب و متناظر با نظام تشریع سامان یافته است؛ یعنی چون خداوند برای مردم مناسکی را در ایام خاص در نظر گرفته، برای تسهیل آنان در تشخیص زمان آن، محاسبه زمان را بر اساس گردش آشکار ماه قرار داده است.

بررسی آیات ناظر به محاسبات زمان، نشان می‌دهد که محاسبه سال قمری به عنوان معیار محاسبه زمان از آغاز آفرینش مورد نظر خداوند بوده و هیچ ربطی به حجاز و مردم این سرزمین ندارد؛ چنان که تأمل در فواید محاسبه سال قمری نشان می‌دهد که این معیار، چه در اصل محاسبات به‌خاطر طبیعی بودن آن و چه به لحاظ معیار مناسک دینی حکیمانه است. این محقق و پژوهشگر در تکمیل این مطلب گفت: پیداست ذکر حج نمادی از احتساب ماه برای انجام مناسک دینی است که حج را می‌توان اهم آنها ذکر کرد. به عبارت روشن‌تر، قرآن با این آیه در صدد بیان این نکته است که سال قمری افزون بر آن که برای محاسبه زمان مردم در نظر گرفته شده، به عنوان وسیله‌ای برای محاسبه زمان انجام مناسک نیز مورد نظر است.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: با توجه به این مطالب جا داشت که نواندیشی که مدعی شده قرآن تحت تأثیر فرهنگ عصر رسالت، ماه‌های قمری را به عنوان مبنای محاسبات تقویمی اعلام کرده، به جای ذکر ماه رمضان، از ماه ذوالحجه نام می‌برد که در قرآن به نقش ماه قمری برای تشخیص آن تصریح شده است. این امر نشان می‌دهد آن‌طور که وی ادعا کرده، چندان با قرآن آشنا نیست. زیرا در سوره بقره درباره روزه نام رمضان برده شده که اشاره تلویحی به سال قمری است؛ در حالی‌که در آیه پیش‌گفته در پاسخ

مردم درباره هلال ماه به صراحت از نقش ماه در تشخیص ماه حج نام برده شده است.

گردش ماه‌های قمری در میان فصول

وی افزون بر استوار بودن بر منطق طبیعی، گردش ماه‌های قمری در میان فصول سال را از دیگر فوائد مهم سال قمری برشمرد و تصریح کرد: می‌دانیم که سال قمری ده روز از سال شمسی کمتر و به جای 365 روز دارای 355 روز است. این امر باعث می‌شود که ماه‌های قمری در طول سال گردش داشته باشد؛ به این معنا که در هر 36 سال یک بار سال قمری به طور کامل در طول فصول سال به گردش درمی‌آید. معنای این سخن آن است که اگر معیار محاسبه زمان و انجام مناسک دینی برای نمونه سال شمسی بود و ماه رمضان در هر یک از فصول سال قرار می‌گرفت، همواره در آن ماه ثابت می‌ماند.

نویسنده کتاب [#171&؛ رابطه قرآن و سنت](#)؛ در تشریح این مطلب گفت: یعنی اگر ماه رمضان در زمستان بود، مردم همیشه در زمستان ماه رمضان را تجربه می‌کردند و در پی سرمای زمستان هیچ‌گاه تشنگی و گرسنگی لازم را نمی‌چشیدند. چنان که اگر از آغاز ماه رمضان در فصل تابستان قرار می‌گرفت، مردم همواره در گرمای تابستان که در برخی از مناطق بسیار طاقت‌فرسا است، روزه را تجربه می‌کردند، البته این امر برای آنان سخت دشوار می‌نمود؛ در باره مناسک حج نیز این نکته صادق است.

وی در پایان سخنان خود و در توضیح این مطلب خاطرنشان کرد: در حالی که با احتساب سال قمری به عنوان معیار محاسبه زمان انجام مناسک دینی، اعمالی مثل روزه و حج، با نظامی منطقی و گردش حکیمانه در طول سال انجام می‌شود. اینجاست که باید به خداوند برای چنین اراده حکیمانه در نظام تکوین و تشریع آفرین گفت و برای برخی نواندیشان تأسف خورد که چنین اراده حکیمانه را برخاسته از فکر پیامبر(ص) و هم‌صدا با فرهنگ و آگاهی همراه با خطای عصر جاهلیت دانسته‌اند!